

# تئوری های توسعه و انتقال تکنولوژی

ارائه دهنده: محمد حسین هدایتی

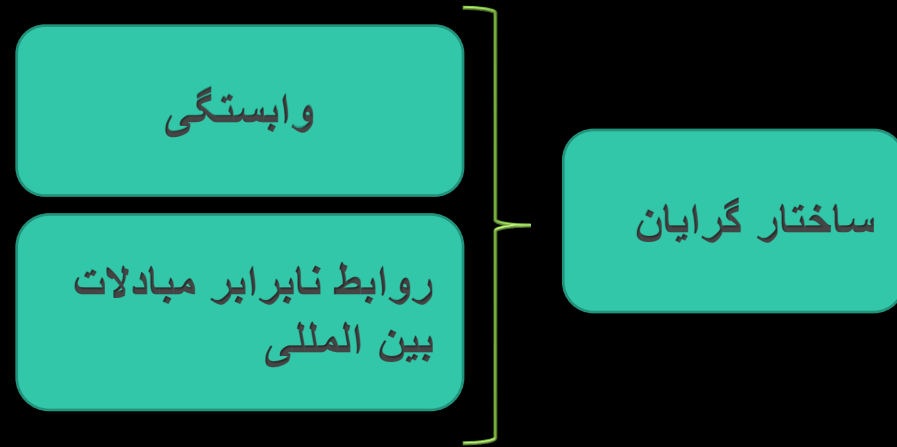
استاد راهنما: دکتر سلامی

# مکتب ساختارگرایان

اصطلاح ساختارگرا برای اولین بار در نظریه های توسعه برای اشاره به نظرات گروهی از دانشمندان علوم اجتماعی در کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آمریکای لاتین مورد استفاده قرار گرفت.

این گروه را رائل پره بیش که در اواخر دهه 1940 و در طول دهه 1950 مسائل اقتصادی امریکای لاتین را مورد تحلیل قرار داد، هدایت می کرد.

از دیگر صاحب نظران این نظریه می توان به آلبرت هیرشمن، سمیر امین، والر اشتاین اشاره کرد.



به عقیده ساختارگرایان یکی از مهمترین علل عقب ماندگی کشور های در حال توسعه ،وابستگی این کشور ها به کشور های پیشرفته می باشد.

- پنج نوع وابستگی بین کشور های در حال توسعه و کشور های پیشرفته از دیدگاه ساختارگرایان:
- ✓ تجاری
  - ✓ مالی
  - ✓ تکنولوژیکی
  - ✓ اجرایی یا مدیریتی
  - ✓ وابستگی به شرایط بازار

ساختار گرایان معتقدند که کشور های در حال توسعه باید با تکیه بر راهبرد جایگزینی واردات، بسوی توسعه صنعتی گام بردارند.

مشخصه معمول افکار ساختارگراها این است که ماهیت مناطق و یا اقتصاد تک تک کشور های در حال توسعه با کشور های توسعه یافته متفاوت است و تحلیل جداگانه ای را طلب می کند.

اگر چه ساختار گرایان در فرایند توسعه صنعتی تأکید زیادی روی راهبرد های درونگرا دارند، در برخی موارد و شرایط خاص راهبرد های برونگرا را به منظور کسب تکنولوژی های بین المللی و حضور در بازار های رقابتی به کار می گیرند.

دولت در موفقیت فرآیند توسعه صنعتی بر اساس راهبرد درون گرا نقش بسزایی را ایفا می کند.

از این رو ساختار گرایان بر لزوم دخالت دولت به منظور ایجاد و ارتقای ساختار صنعتی تأکید دارند.

- ✓ تغییرات ساختاری مرتبط با صنعتی شدن
- ✓ پیوند با اقتصاد جهانی و رابطه مبادله
- ✓ نقش دولت در توسعه
- ✓ انباشت سرمایه

عناصر عمده نظریه و سیاست های ساختارگرا

## وابستگی تکنولوژی و ساختار گرایان

ساختارگرایان معتقدند که وابستگی تکنولوژیکی مسائل متعددی را ایجاد می کند:

✓ تکنولوژی گران قیمت و منسوخ شده

✓ نامناسب

✓ فقدان قابلیت های تکنولوژیکی محلی

نتیجه گیری از نظریه ساختار گرا:

توسعه مهمتر از آن است که به دست بازار سپرده شود. دولت باید نقش فعالی در ارتقای توسعه اقتصادی داشته باشد.

# نظریه وابستگی

- این نظریه در جامعه شناسی توسعه مطرح است. استدلال طرفداران این نظریه آن است که ساختار نظام بین المللی، به شدت فرصت های توسعه را برای کشورهای توسعه نیافته زایل می کند.
- محور اصلی نظریه وابستگی عبارت از این است که مطالعه توسعه جوامع جهان سوم به صورت انتزاعی و جدا از توسعه کشورهای پیشرفته، واقعیت های روند توسعه را نمی تواند به دقت نشان دهد.



# نظریه وابستگی

- نظریات وابستگی به صورت عمده از اندیشه های پل باران در واپسین سالهای دهه 1950 نشأت گرفته است. علاوه بر آن شکست برنامه اکالمو و نیز بحران مارکسیسم در امریکای لاتین در دهه 1960، در شکل گیری مکتب وابستگی مؤثر بودند. برخی معتقدند نظریه وابستگی، پاسخی انتقادی به نظریات آدام اسمیت (1776) بود. بر اساس مکتب اسمیت، بازرگانی بین المللی موجب تخصص منطقه ای و کاهش تعرفه های گمرکی گشته، حداکثر امکانات را برای رشد اقتصادی فراهم می کند.

# مفروضات نظریه وابستگی

- ✓ اقتصاد و جامعه در بخش عمده ای از دنیای در حال توسعه، به شکل کامل تحت تأثیر این واقعیت قرار دارند که این کشورها در اصل به منزله تولیدکنندگان مواد خام و مصرف کنندگان محصولات صنعتی در اقتصاد جهانی ادغام شده اند.
- ✓ این تقسیم کار به وسیله قدرت اقتصادی و سیاسی دنیای توسعه یافته دائمی گردیده است.
- ✓ همین ادغام پابرجا در اقتصاد جهانی، موجب انحرافات جدی اقتصاد داخلی در جهان سوم می شود.
- ✓ عوارض این معضل اقتصادی به قلمرو اجتماعی و سیاسی هم سرایت می کند.

## نظریه نئولیبرالیسم

رویکرد ساختارگرا نسبت به مسئله توسعه اقتصادی از اواسط دهه 1980 مورد حمله فزاینده ای قرار گرفت.

کمی قبل از آغاز دهه 1980 ساختار گرایی بوسیله نئولیبرالیسم جایگزین شده بود .

نئولیبرال ها این نظر ساختار گرایان را که شرایط غالب در جهان سوم ضرورت توسعه یک نظریه خاص را ایجاب می کند، رد می کنند.

نئولیبرالیسم، در تقابل مستقیم با ساختار گرایی به قوانین عام و فراگیر توسعه اقتصادی توجه دارد.

تأکید نظریه نئولیبرال ها بر فرد و بر تعامل آزاد نیرو های بازار است.

- • نئولیبرال ها بر "کوتاه مدت" تأکید می کنند با این اعتقاد که "بلند مدت" خود را تأمین می کند.
- نئولیبرال ها با تکیه بر بازار به مثابه بهترین داور در مورد قیمت ها و کارایی ها، توصیه می کنند که دولت باید رویکرد عدم مداخله را برای توسعه در پیش گیرد.
- تصمیمات باید به عهده افراد در بخش خصوصی گذاشته شود و دولت فقط باید آن کالاها و خدماتی را فراهم کند که در غیر این صورت توسط بخش خصوصی فراهم نخواهند شد.

## عناصر عمده نظریه نئولیبرالیسم

1. تحریف قیمت ها، عدم کارایی را بوجود می آورد.
2. آزادسازی تجارت، اقتصاد کارا تری را بوجود می آورد.
3. نقش مستقیم دولت در اقتصاد باید تقلیل داده شود.

# سیاست های نئولیبرال ها:

آزاد سازی بازار، که اغلب با عنوان تصحیح قیمت ها مورد اشاره قرار می گیرد.  
آزاد سازی تجارت به منظور سوق دادن اقتصاد به سمت جهت گیری بیشتر رو به خارج  
کاهش نقش دولت در اقتصاد از طریق خصوصی سازی و کاستن هزینه های دولت

## سوسیالیسم

مفهوم: طیف متنوعی از اندیشه ها و متفکران، که تنها ویژگی مشترک آنها اعتقاد به "لزوم برابری بیشتر برای انسانها و افزایش نقش کارگران در اداره جوامع" است.

خاستگاه سوسیالیسم: بحرانهای اقتصادی مکرر و شرایط وخیم کارگران در اوایل قرن نوزدهم

انواع سوسیالیسم: سوسیالیسم تخیلی و سوسیالیسم علمی

# مبانی فکری سوسیالیسم:

مالکیت: هسته مرکزی نابرابری ها

کار، یگانه منشأ ارزش کالاها و محصولات

هدایت اقتصاد توسط دولت

کار به قدر استعداد و خرج به قدر احتیاج

مبادلات سریعتر یافته های علمی و تکنولوژیک بین همه بنگاه های تولیدی در نظام برنامه ریزی متمرکز



## متفکران سوسیالیست توسعه



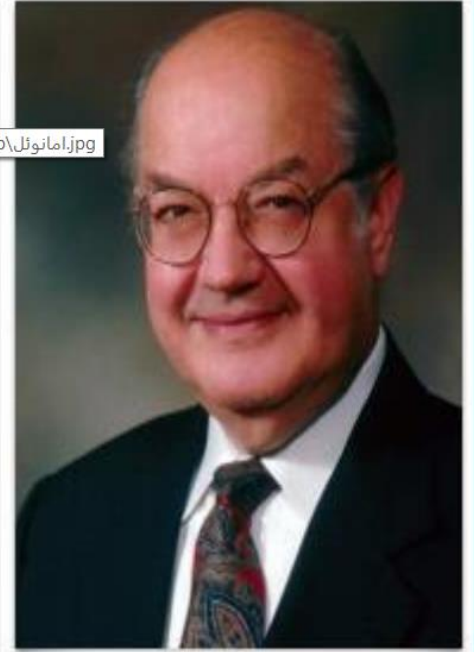
سمیر امین



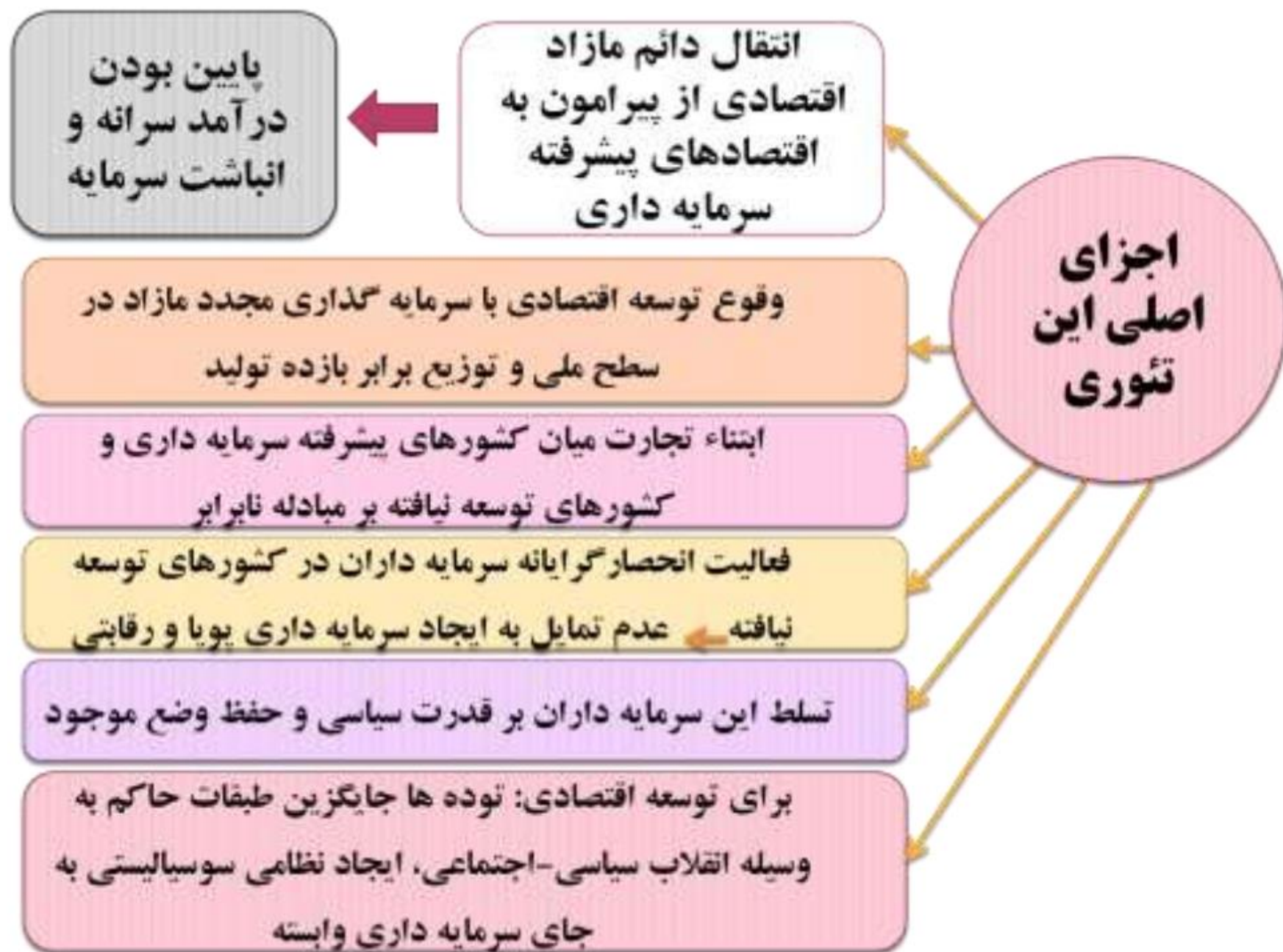
آندره فرانک



امانوئل



پل باران



## انتقادهای وارد بر سوسیالیستها:

کارایی بیشتر سرمایه داری نسبت به سوسیالیسم در افزایش رشد و کاهش فقر

داشتن نگاه ایستا به جهان

شناخت مناسبی از توسعه نمی دهد

تأکید بیش از حد بر نقش انباشت سرمایه و نقش آن در توسعه



**THANKS FOR YOUR KIND ATTENTION**

سپاس از حسن توجه شما عزیزان